

طفل تفاوت میکند و چند مرتبه دادن آنرا در شبانه روز و مقدار شیری را که در هر دفعه باید داد باید طیب معین کند.

۷- در موقع دادن شیر به بچه باید بقدری که در یکدفعه بتواند بخورد به شیشه تغذیه ریخته و بعد سرشرا محکم بسته در توی ظرفی که پر از آب گرم است، گذاشته گرم نمود.  
اگر بچه تمامی شیری را که باید بخورد تمام نکند، نباید باقیمانده را دو باره داد.

۸- اگر چنانچه نوزاد دچار اسهال وقتی گردد باید بزودی به طیب رجوع نمود و از علاج نمودن از طرف خود و گوش دادن به حرف پیره زنان خود داری نمود، زیرا ناخوشی معده و جهاز هاضمه بچه خیلی خطرناک بوده و غالباً در صورت اهمال منجر به مرگ وی میگردد.

۹- هیچ نباید بجای شیر غذای دیگر استعمال نمود، چه ممکن است باعث ناخوشیهای خطرناک گردد در هر صورت در موقع لزوم باید از طرف طیب اجازه داده شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

— ۲ —

## شرایط پرستاری نوزاد و حفظ صحت وی

### در روزهای نخستین زندگانی

هر سالی عده زیادی از نوزادان بواسطه موافق و سالم نبودن اغذیه ناخوش شده می میرند. اگر چنانچه دادن غذای طبیعی و سالم یعنی شیر مادری غیر ممکن است، در این موقع نباید بغیر از شیر گاو چیز دیگری داد. و نسبت بزرگی بچه باید بقرار ذیل با آب مخلوط کرد:

تا آخر ماه اول زندگانی: سه قسمت آب يك قسمت شیر

خالص:

تا ماه سیم زندگانی: يك قسمت آب و يك قسمت شیر خالص؛

و از اول ماه ششم زندگانی: شیر خالص.

و این تغییر را که در قاتی کردن شیر با آب لازم است باید بتدریج بعمل آورد. اگر نوباوه بطریقیکه ذکر شد تغذیه بشود بخوبی نمو میکند. اما باید شیر مخلوط با آب یا شیر خالص، قبل از دادن به بچه خوب پخته شده و در شیشه تمیز و پاک ریخته شود و باید طفل را روزی سه دفعه تغذیه کرد. دادن سوخاری (نان خشک) و غیره قبل از ماه ششم زندگانی نوزاد تماماً بی بهره و مضر است. هیچ نباید به حرفهای مزخرف و بی پایه پیره زنان و جاد و گران گوش داده به محض داد زدن بچه بخيال اینکه از گرسنگی ناله میکند هر چه از خوردنی و نوشیدنی بدست می افتد به او داد، خیلی چیزها ممکن است باعث فریاد کردن طفل گردد و غالباً بچه از شادی و فرح مانند اشخاص بزرگ آوازه خوانی میکند.

خوبی یا بدی غذای طفل را انسان میتواند از نمو و چاق شدن یا لاغر شدن او بفهمد لهذا باید نوزاد را مکرر در ترازوی مخصوص وزن کرد.

دادن نان و غذاهای دیگر به بچه قبل از وقت باعث نتایج بد میشود و غالباً تولید ناخوشی معروف به راشیتیس میکند که اینهم منجر به بعضی نتایج میشود که در تمام زندگانی وی همراه او بوده باعث زحمات و شکنجه او میگردد.

ناخوشی راشیتیس عباتست از نرم شدن استخوانهای بچه که به این واسطه قابل پیچ و خم میشوند و نتایج آن کجی اعضا

و بد ترکیبی بدن است.

اگر در هفته‌های نخستین زندگانی نوزاد چشمهای وی در موقع خواب بواسطه جراحی که از چشم می‌آید بهم بچسبند در این موقع باید هر چه زودتر به طیب رجوع نمود. درد و سرخی چشم بچه مکرر باعث معیوبی چشمهای وی گردیده است. در این صورت نباید بگفته‌های ماما و این بی‌بی و آن خاله جان گوش داد بلکه چنانچه ذکر شد به طیب مخصوص چشم (کحال) رجوع نمود.

بچه را باید در گهواره یا رختخواب کوچکش بقدر امکان آزاد گذاشت و از پوشانیدن لباسهای تنگ و پیچیدن وی در قنناق دوزی جست. مخصوصاً این امر مهم را در قسمت سینه مراعات نمود چه در موقع مخالفت باعث دشواری تنفس و نگهداری از نمو قفسه سینه میشود.

وقتیکه میخواهید بچه را در بغل بگیرید باید ملتفت شوید که گاهی در دست راست و گاهی در دست چپ بر دارید چه در این صورت از کج شدن استخوانهای وی که باعث کجی بدنست جلوگیری میشود.

از دادن پستانک‌های خالی برای مشغول ساختن بچه باید دوری جست. استعمال این پستانکها عیب نداشت اگر چنانچه تمیز نگاه داشته میشد! ولی روزی چند مرتبه این چیز کوچک روی زمین پر از خاک و غبار و غیره می‌افتد. کثافت و نا تمیزی که از مکیدن دائمی در گوشه‌های دهان بچه تولید میشود خالی از نتایج بد نیست. وقتیکه نوزاد عادت به این پستانکها نمود مشکل میتواند بی وجود این اسباب بازی آرام بماند. پس بمحض اینکه اسباب از دستش می‌افتد بنای جیغ و داد زدن را میگذارد و مادر یا پرستار

هم برای آرام نمودن وی بزودی پستانک را بدون ملاحظه کثافت آن که از افتادن بزمین عارض شده از زمین بر داشته بدهن کوچک وی میدهد، درینصورت مراعات نظافت ظرف شیر و تمیزی و خوبی خود شیر در مقابل این نامیزی بهره ندارد. پس خوبست اصلاً بچه را به این قبیل چیزها عادت نداد. هر چند انسان بخواهد این اسباب بازی را تمیز نگاه بدارد ولی باز هم گاهی بدون اینکه انسان بفهمد يك واسطه چرك میشود.

اسهال برای نوزاد مخصوصاً در فصل تابستان خیلی با خطر است. دراین موقع نباید وقت را با علاج نمودن از طرف خود تلف کرد بلکه بزودی باید بطیب رجوع کرد.

برلین — م. باقر پیروز

## جهان‌نمان

### ۱- زن و عفت

حیات اجتماعی بشر عموماً و زندگانی يك ملت خصوصاً بسته باخلاق است و اخلاق نیز در روی پایه‌های چندی استوار است که مهمترین آنها عفت میباشد.

وقتی که انسان، خوبی را بآمید پاداش نکرد و از بدی تنها به بیم مجازات احتراز نمود بلکه تمایل فطری او، او را واداشت که نیکی را دوست دارد و از بدی پرهیزد، او عفت دارد.

عفت، اگرچه در میان زن و مرد مشترك می‌باشد ولی رویهمرفته میتوان گفت که اغلب در زن، بواسطه فسون حسن